

# امامزاده سید اسحاق بن موسی کاظم علیه السلام؛

## فرزندان و نوادگان

غلامرضا گلی زواره

### چکیده:

امامزاده سید اسحاق موسوی که از مهم ترین و معروف ترین فرزندان امام کاظم علیه السلام به شمار می رود، بعد از شهادت والد ماجدش در بصره عراق اقامت گزید، وی از اصحاب مورد وثوق برادر ارجمندش حضرت امام رضا علیه السلام می باشد و چون مدتی نقابت علویان را عهده دار بوده، به اسحاق امیر شهرت یافته است و از آنجا که مورد وثوق سادات و شیعیان بوده، بالقب امین شناخته می شود.

اسحاق، پنج فرزند پسر داشته که اعقابش از طریق پسرانش عباس، محمد، حسین و علی استمرار یافته است، فرزندان و نوادگانش در مناطقی از ایران، حجاز، یمن، عراق عرب، سوریه، آسیای مرکزی و خراسان شمالی اقامت داشته اند. مدفن این امامزاده را در مدینه، ساوه و گرگان ذکر نموده اند.

حسین فرزند او که در صَوْران مدینه نشو و نمو یافته بود، بعد از قیام احمد بن موسی و یارانش در شیراز، به منطقه فارس مهاجرت کرد و در این منطقه سکونت اختیار نمود. این سید جلیل القدر از فضایل و کراماتی برخوردار می باشد و پیکر مطهرش بعد از سال ها سالم باقی مانده بود.

اسحاق ثانی، فرزند حسین صَوْرانی که مزارش در شیراز می باشد، سه فرزند ذکور داشت، یکی از آنان به نام ابو جعفر موسی از خطه فارس به خراسان کوچ کرد و در مرو اقامت گزید و در آنجا دارای اولاد و احفادی گردید.

### کلیدواژه ها:

امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام، اسحاق امین، حسین صَوْرانی، بصره، مدینه، شیراز، ساوه، گرگان، مرو.

## خورشید این منظومه، امام همام

### حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

آن وجود مشعشع شخصیت مقدسی است که علاوه بر عظمت علمی و فکری دارای حیات معنوی و ملکوتی ویژه است و با جهان غیب، عرشیان و قدسیان پیوندی عمیق و مداوم دارد و بیان و بنان در ترسیم سیمای آن وجود مبارک به ناتوانی و عجز خود اعتراف می‌کند. آن فروغ فروزان امامت علاوه بر مبارزه با حاکمان جفاگستر عباسی و جرثومه‌های فساد و ستم در جبهه نبرد با گروه‌های منحرف و فرقه‌های منحط، در خط مقدم قرار داشتند و در این راستا حرکت‌هایی فداکارانه، حکیمانه و خردمندانه در پیش گرفتند و زمینه‌هایی را فراهم ساختند تا ضمن بی‌اثر ساختن آثار و عوارض این گونه اعوجاجات فکری و عقیدتی، معارف ناب قرآن و سنت شکوفا گردیده و مشعل حق طلبی فروزان گردد.

گسترش نهضت‌های رهایی بخش توسط سادات علوی و افزایش اختناق سیاسی در دوران حکومت

هارون الرشید باعث تشدید مراقبت و سختگیری از سوی کارگزاران حکومت عباسی درباره امام موسی بن جعفر علیه السلام گردید. تنگناها چنان شدت و حدت یافت که کمتر کسی قادر بود حتی برای آگاهی درباره ضروری‌ترین مسائل عقیدتی و طرح سؤالاتی پیرامون معارف اعتقادی و شرعی به محضر امام شرفیاب گردد.

با این وجود حضرت یارانی خالص، باوفا و فاضل داشت که در بین جوامع اسلامی پراکنده بودند و با آن خورشید امامت به‌خصوص در هنگام اقامت امام کاظم علیه السلام در مدینه‌النبی، در تماس بودند.

واهمه و هراس خلیفه عباسی از اقدامات فکری، فرهنگی و مبارزاتی حضرت و محبوبیت عظیمی که ایشان در بین اقشار گوناگون به‌دست آورده بود و نیز خیزش یارانش بر علیه جفا و جور حاکم به حدی رسید که آن وجود مبارک و تندیس زهد، وارستگی و عبادت را هارون الرشید به اجبار از حجاز به عراق عرب آورد و آن واسطه



از خود به یادگار نهادند و بعد از شهادت و یا رحلت آنان بقعه و آستان این عزیزان به زیارتگاه مبدل گردید و مردمانی معتقد، مشتاق و علاقه‌مند به ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن ارتباط با این اماکن زیارتی، در جوار مرقدشان به دعا، ذکر، عبادت و شکوفایی فضیلت‌های اخلاقی در وجود خویش و جامعه و برگزاری مراسم مذهبی و تبلیغی مبادرت ورزیده‌اند.

به علاوه این مراقد و بقاع در تقویت هویت فرهنگی و مذهبی آبادی‌ها اعم از کانون‌های شهری و روستایی مؤثر بوده و از نظر جلوه‌های معماری، هنر آجرکاری، کاشی‌کاری و سایر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی حائز اهمیت می‌باشند<sup>۱</sup>.

### شاخه‌های شجره شرافت

مورّخان، شرح حال نگاران و نسب‌شناسان در تعداد فرزندان امام کاظم علیه السلام نظر واحدی ندارند و در این باره اقوال گوناگونی را طرح نموده‌اند؛ اما درباره این واقعیت که هر کدامشان

فیض و لطف الهی را سال‌های متوالی در سیاه‌چال‌های مخوف بغداد محبوس ساخت و به احدی اجازه ملاقات با امام را نداد و سرانجام در سال ۱۸۳ هـ.ق حضرت را به شهادت رسانید، بارگاه آن شمس شریعت و شرافت در شهر کاظمین پرتوافشانی می‌نماید. امام موسی بن جعفر علیه السلام در سه عرصه میراثی جاوید، باارزش و توأم با برکت از خود به یادگار نهاد:

الف: احادیثی قابل توجه در مباحث کلامی، فقهی، اخلاقی.

ب: شاگردانی شایسته و اصحابی مبرز که در ترویج معارف قرآن و عترت از خود اهمیتی بااهمیت نشان دادند و بعد از شهادت امام هفتم به فرزند ایشان حضرت امام رضا علیه السلام روی آوردند.

ج: فرزندان شایسته و لایق که در ترویج فضایل و مکارم میان مسلمانان، دفاع از ارزش‌های اسلامی و ستیز با زمامداران خودسر پیش قدم بودند و اعقاب آنان در میدان مبارزات عقیدتی و سیاسی کارنامه‌ای زرین و درخشان

از حیث پارسایی، پرهیزگاری، فضایل اخلاقی، صیانت از معارف اسلامی و روحیه مبارزاتی در زمره برگزیدگان روزگار خویش به‌شمار می‌آمده‌اند، دیدگاه مشترکی دارند و تصریح نموده‌اند: این امامزادگان از جهات علمی و اجتماعی، فداکاری در راه حق و اعتلای فرهنگ قرآن و عترت و کوشش برای خدمت به مردم، سرآمد عصر خود محسوب می‌شده‌اند.

در برخی منابع، تعداد پسران آن حضرت را سی و چهار نفر نوشته‌اند و افزوده‌اند ایشان متجاوز از پنجاه نفر دختر داشته است؛ اما نظر معتبر همان است که علمایی چون شیخ مفید، طبرسی، علامه مجلسی و محدث قمی برگزیده‌اند، این بزرگان مسطور نموده‌اند امام کاظم علیه السلام، سی و هفت فرزند (نوزده پسر و هیجده دختر) از همسران متعدد، داشته است، به این قرار: افضل فرزندان، امام رضا علیه السلام می‌باشد که آگاه‌ترین، داناترین و بزرگ‌ترین ایشان به لحاظ جلالت قدر و منزلت معنوی و جمع کردن

انواع فضایل و مکارم در وجود خود می‌باشد، ابراهیم، عباس، قاسم، عبدالله، اسحاق، عبیدالله، زید، حسین، فضل و سلیمان که امهات اولاد امامند.

احمد، محمد، حمزه، اسماعیل، جعفر، هارون، حسین و ابراهیم اصغر که از امّ ولد زاده شده‌اند، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه، امّ ابیها، رقیه صغری، ام جعفر، لبابه، زینب، خدیجه، علیه، آمنه، حسنه، بُریعه، عایشه، ام سلمه، میمونه و امّ کلثوم دختران آن حضرت اند.<sup>۲</sup>

ابن صباغ مالکی، شیخ طبرسی، شیخ مفید و دیگران فرزندان امام کاظم علیه السلام را به لحاظ سلامت در شخصیت، صداقت و فضیلت با عباراتی که به لحاظ الفاظ به هم شباهت دارند و از حیث محتوا و معنا مضمونی واحد را القا می‌نمایند، این گونه معرفی کرده‌اند: **إِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام فَضْلٌ وَ مَنْقَبَةٌ مَشْهُورَةٌ**<sup>۳</sup>.

یعنی: همواره هر یک از اولاد امام کاظم علیه السلام از فضل و مناقب مشهوری برخوردار بوده‌اند.

## حلقه وصل

یکی از مهم‌ترین اولاد امام کاظم علیه السلام اسحاق نام دارد. ابی نصر بخاری می‌نویسد: درباره این که او از اولاد بلا فصل امام هفتم است<sup>۴</sup>، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد، شیخ مفید از این موضوع فراتر رفته و یادآور گردیده است: اسحاق در زمره معروف‌ترین پسران امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد<sup>۵</sup>، بنا به نوشته نجم‌الدین ابی الحسن العلوی العُمَری، اسحاق که ملقب به امیر می‌باشد، از مادری امّ ولد دیده به جهان گشوده است<sup>۶</sup>؛ اما مؤلف کتاب «طلب الأئمه» نام والده اسحاق را امّ احمد ضبط کرده و افزوده است این بانو روایتی را از امام کاظم درباره حجات نقل نموده است<sup>۷</sup>.

از تاریخ تولد اسحاق آگاهی دقیق و مستندی به‌دست نیامده است؛ ولی بر حسب قرائن و شواهدی وی در نیمه دوم قرن دوم هجری در مدینه پا به عرصه وجود گذاشته و بعد از شهادت والدش، در بصره عراق اقامت گزیده است، اسحاق با لقب امیری

امین شناخته می‌شود؛ زیرا ایشان مدتی سرپرستی عده‌ای از سادات و علویان را با عنوان نقیب عهده‌دار بوده است، حوزه جغرافیایی و مقطع تاریخی این مسئولیت وی مشخص و روشن نمی‌باشد؛ اما این امامزاده در سمت مذکور سادات را در استیفای حقوق خویش، یافتن همسری صالح و شایسته، محافظت از املاک، دارایی‌ها و موقوفات یاری می‌داده و در تعلیم و تربیت خردسالان و نوجوانان این طایفه و بازداشتن آنان از ناروایی‌ها، منکرات، زورگویی و فخرفروشی، اهتمام می‌ورزیده است، از برخی مدارک مستفاد می‌گردد که اسحاق در برهه‌ای از زمان حیات خود، سرپرستی حجاج را بر دوش گرفته و به همین دلیل از وی به عنوان امیر الحاج یاد کرده‌اند<sup>۸</sup>.

این امامزاده از اصحاب مورد وثوق برادرش حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شمرده شده است، محمد بن مسلم از زبان وی نقل نموده که گفته است: برادرم و عمویم از امام صادق علیه السلام



حدیث نقل کرده‌اند، از جمله آن که، صادق آل محمد علیهم السلام فرمود:

سه مجلس است که خداوند آنها را دشمن می‌دارد و حق تعالی نعمت خود را بر اهل آن فرو می‌فرستد، یکی مجلسی که در آن کسی فتوای دروغ صادر کند، دیگری محفلی که ذکر دشمنان ما در آن تازه گردد ولی یاد ما در آن کهنه و فراموش شود و سوم مجلسی که در آن کسی مردم را از پیروی ما باز دارد و تو آن را می‌دانی.<sup>۹</sup> اسحاق ماجرای قیام عمومی خود محمد فرزند امام صادق علیه السلام معروف به محمد دیباج را این گونه گزارش نموده است:

«عمویم محمد بن جعفر علیه السلام در شهر مکه علیه بنی عباس قیام کرد و مردم را به سوی خود فرا خواند و گروهی هم با او بیعت کردند، برادرم، امام رضا علیه السلام نزد او رفت، در حالی که من با آن وجود مبارک همراه بودم، حضرت ثامن الحجج به وی اخطار داد که این موضوع یعنی نهضت مذکور، به جایی نخواهد رسید، اما او گوش

نکرد. چندی از این ماجرا نگذشت که جلودی کارگزار عباسی آمد و با خیزش او برخورد کرد و محمد دیباج را منهزم ساخت، بعد به وی امان داد. سپس عمویم را به خراسان انتقال دادند تا آن که در جرجان [گرگان] درگذشت.<sup>۱۰</sup>

متأسفانه در کتاب شجره طیبه سادات شیخ شبان، چنین تصور گردیده است که اسحاق بن موسی علیه مأمون عباسی قیام کرد ولی بعدها مورد عفو دستگاه عباسی قرار گرفت در حالی که اسحاق راوی این جنبش است که توسط عمویش محمد بن جعفر صورت گرفته است. در ضمن شیخ طوسی، احمد برقی و رجال نگاران بعدی تصریح نموده‌اند که اسحاق از برادر خود حضرت امام رضا علیه السلام و عموی خویش علی بن جعفر علیه السلام حدیث نقل می‌کرده است.<sup>۱۱</sup>

### اعقاب اسحاق بن موسی علیه السلام

اسحاق با دختر عموی خود یعنی بنت اسحاق مؤتمن فرزند امام صادق علیه السلام که از طریق مادرش سیده



موسی کاظم علیه السلام که در مناطقی از عراق و عتبات عالیات به خصوص بغداد دارای منزلت و اقتدار علمی، معنوی و اجتماعی بوده است و اقشار گوناگون حشمت و جلالت قدرش را تکریم می نموده اند<sup>۱۴</sup>. هم چنین بنا به اظهارات ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیین، در ایام فرمانروایی مهدی عباسی، کارگزارش در بصره، سعید حاجب، جعفر بن اسحاق را دستگیر و روانه زندان نمود و سرانجام وی را به شهادت رسانید، مدفن او در بصره است<sup>۱۵</sup>.

سید محمد کاظم یمانی نوشته است: محسن ثانی و برادرش فرزندان محسن بن قاسم بن اسحاق بن موسی علیه السلام در کرک بغداد به شهادت رسیدند<sup>۱۶</sup>. فرزندان و نوادگان اسحاق، در مناطقی از آذربایجان، اردبیل، شیراز، نیشابور، اهواز، چهارمحال و بختیاری، مرو، بلخ، بصره، مدینه، ارجان، حلب، رمله و اصفهان اقامت داشته اند و عده ای از آنان نزد اهالی این نواحی از جلالت و منزلت والایی برخوردار

نفیسه به امام حسن مجتبی علیه السلام هم نسب می برد، ازدواج کرد، این پیوند پاک در اواخر قرن دوم هجری و مقارن با امامت حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان صورت گرفت و در همان سال وی همراه مسلمانان مناسک حج تمتع را برگزار کرد.

اسحاق دختری به نام رقیه داشته که عمری طولانی کرده و در اوایل قرن چهارم هجری، سال ۳۱۰ یا ۳۱۶ ه.ق، در بغداد رحلت نموده و پیکرش در همان جا دفن گردیده است، ابونصر بخاری، متوفی در ۳۴۱ ه.ق، مزارش را در عراق زیارت کرده است<sup>۱۲</sup>.

از اسحاق پنج فرزند ذکور به اسامی: علی، حسن (حسین)، عباس، محمد و جعفر باقی مانده است و برخی از علمای انساب یحیی، موسی و قاسم را بر پسران او افزوده اند<sup>۱۳</sup>.

اعقاب این امامزاده از پسرانش عباس، محمد، حسین و علی است و از احفاد اوست: عالم وارسته و دانشمند اهل ورع سید ابوطالب ملهوس فرزند علی فرزند اسحاق فرزند عباس فرزند اسحاق بن

بوده‌اند، برخی نیز نقابت سادات منطقه خراسان را عهده‌دار بوده‌اند<sup>۱۷</sup>. علامه سید جعفر بحرالعلوم مسطور نموده است:

«ابو عبدالله الشریف معروف به نعمت فرزند حسن فرزند اسحاق ثانی فرزند حسین فرزند اسحاق اول فرزند امام کاظم علیه السلام از نوادگان این امامزاده است که شیخ صدوق کتاب «من لا یحضره الفقیه» را برایش تألیف کرده و وی این مطلب را در دیباچه کتاب مذکور یادآور شده است»<sup>۱۸</sup>.

شیخ محمد صدوق در انتهای مشیخه خود (استاد روایت) یک بار دیگر از سید بزرگوار ابو عبدالله محمد بن حسن العلوی تمجید کرده و نوشته است:

این کتاب [من لا یحضره الفقیه] را از اوّل تا آخر، برای او خواندم و اجازه روایتش را به وی دادم و آن را به خط خویش تحریر کردم و تمام اینها در منطقه بیلاق از سرزمین بلخ [از توابع افغانستان] روی داد<sup>۱۹</sup>.

ابن مهنا معتقد است عباس بن

اسحاق، در سرزمین اَرّان (قفقاز) در شمال غربی ایران، به هنگام حکمرانی منصور عباسی، توسط کارگزار وی، در این قلمرو به شهادت رسید<sup>۲۰</sup>.

### مدفن و مضجع

اگرچه منابع رجالی و کتب نسب شناسی، متذکر گردیده‌اند اسحاق بن موسی به سال ۲۴۰ هـ.ق در مدینه‌النبی رحلت نمود و پیکرش در همین مکان مقدّس به خاک سپرده شد؛ اما در پاره‌ای مآخذ تاریخی و بعضی دائرةالمعارف‌ها چند موضع معرفی گردیده است که به‌عنوان محل دفن و مزار اسحاق مشخص گردیده است، چنان که مستوفی می‌نویسد مشهد امامزاده سید اسحاق بن موسی علیه السلام در شهر ساوه از توابع عراق عجم می‌باشد<sup>۲۱</sup>. مجدی هم می‌گوید: ساوه به جانب شمال، مشهد سید اسحاق بن موسی می‌باشد<sup>۲۲</sup>.

شاردن سیاح عصر صفوی می‌نویسد: خواجه شمس‌الدین به توسعه ساوه از بخش شمالی آن همّت گماشت و





برخی منابع خاطرنشان ساخته‌اند بعد از عزیمت حضرت امام رضا علیه السلام به مرو، برادرش اسحاق هم عازم خراسان گشت اما در ساوه بیمار گردید و همان‌جا درگذشت و پیکرش دفن گردید که اکنون صاحب گنبد، بقعه و بناهای ضمیمه است؛ اما مؤلف گنجینه آثار قم بر این باور است که اسحاق یاد شده فرزند ابراهیم العسکر فرزند موسی ابی السبحه فرزند ابراهیم المرتضی فرزند امام کاظم علیه السلام می‌باشد و او همان کسی است که صاحب تاریخ قم از ورودش به آن دیار خبر داده است و گفته است: اسحاق فرزند ابراهیم از قم به شهر آوه در حوالی ساوه مهاجرت کرد و در آن‌جا با دختر شاهین دهخدای طریز ناهید ازدواج کرد و احمد از صلب و بطن دختر شاهین است که نیای امامزاده حمزه مدفون در قم می‌باشد <sup>۲۶</sup>.

در شهرستان گرگان (مرکز استان گلستان) نیز آرامگاهی به نام اسحاق بن موسی بن جعفر معروف و از گذشته‌های دور زیارتگاه مشتاقان

مسجد بزرگی در جانب غربی این شهر بنا کرد و در احداث آن از طرح آستان امامزاده اسحاق پسر امام کاظم علیه السلام که قرن‌ها جلوتر در آن حدود ساخته شده بود، تقلید نمود <sup>۲۳</sup>.

مزار اسحاق دارای بقعه، قبه، ایوان و صحن می‌باشد که در سال ۱۰۲۳ ه.ق تعمیر گردیده است، بر روی مرقد در زمینه‌ای لاجوردی به خط ثلث برجسته عبارت زیر، قالب ریزی گردیده است: هذا تربة الشریف لاسحق بن الامام موسی کاظم أخ الرضا علی بن موسی بن جعفر... <sup>۲۴</sup>.

ساختمان این مقبره از بناهای قرن هفتم هجری است و اهمیت آن به دلیل خشت‌های کاشی فیروزه‌ای روی مرقد است که دارای خطوط عالی و ممتاز می‌باشد و در روی یک قطعه‌ی کاشی آن تاریخ ۶۷۶ ه.ق خوانده می‌شود <sup>۲۵</sup>.

بنای این امامزاده که در سنوات اخیر به طرز باشکوهی بازسازی و مرمت گردیده است در ضلع شرقی میدان سرداران ساوه واقع در ابتدای جاده ساوه قم قرار دارد.

خانندان عترت می باشد. این بنا که از آثار معماری عصر سلجوقی است در کانون مرکزی این دیار، در گذر سرچشمه از محله سبزه مشهد قرار دارد. آستان مذکور با طرحی دوازده ضلعی و مقطع داخلی چهارگوش منظم در ابعاد حدود هفت و نیم متر در هفت و نیم متر ساخته شده است، نمای بیرونی بنا، آجرکاری همراه با تزییناتی از همان جنس است؛ اما نقوش پیچیده آجرکاری در هیچ کدام از بدنه‌ها تکراری نمی باشد.<sup>۲۷</sup>

### ستاره سوران در اُفق شیراز

هنگامی که احمد بن موسی (ع) از توطئه به شهادت رسانیدن برادر خود، حضرت امام رضا (ع) توسط مأمون عباسی مطلع گردید، به قصد خونخواهی، عدالت طلبی و نیز امر به معروف و نهی از منکر در رأس قوایی که به سه هزار نفر بالغ می گردیدند و غالباً در زمره امامزادگان، سادات، علویان و شیعیان به شمار می آمدند، از حجاز به سوی عراق عرب آمده و از طریق بندر موصلاتی بصره و سوق

الاهواز راهی فارس گردید، این کاروان نورانی و مسلح از هر شهر و ناحیه‌ای که عبور می کرد، به تعداد همراهانش افزوده می شد به نحوی که به پانزده هزار نفر بالغ گردید، کارگزار دست نشانده مأمون در فارس که از اتحاد برادران و برادرزادگان امام رضا (ع) با شیعیان ایران واهمه داشت، مأمور گردید با لشکری که تعدادش را چهل هزار نفر نوشته‌اند، این کاروان را درهم بکوبد. سرانجام نبردی خونین در بیرون شهر شیراز آغاز گردید ولی در سه نبرد متوالی، پیروزی نصیب سادات و علویان گردید، حاکم فارس، قتلخ خان که مشاهده کرد در نبرد رویاروی قادر به شکست این سلحشوران موسوی و یاران‌شان نمی باشد، از راه خدعه و نیرنگ و کمین کردن در گذرگاه‌ها و معابر شهر وارد شد و موفق گردید از این طریق عده‌ای از نیروهای علوی را به شهادت برساند، افرادی که از این معرکه حيله گرانه و منافقانه به سلامت گریخته بودند در برخی نواحی فارس و نقاط هم جوار پراکنده شدند، احمد بن



والدش، در نیمه قرن سوم هجری شیراز را به عنوان محل سکونت خویش برگزید. لقب این امامزاده موسوی در پاره‌ای اسناد و مدارک نسب‌شناسی و کتب شجره‌نامه‌ها صورانی ذکر گردیده است که منسوب به آبادی «صوران» می‌باشد و اگر این واژه را با فتح «صاد» و سکون «واو» تلفظ کنیم، وی منسوب است به صوران بر وزن سوهان از توابع صنعای یمن. ابو یحیی غوث بن سلیمان صورانی از علما و قضات مصر و نیز پدرش سلیمان بن زیاد بن ربیع صورانی در شمار محدثان و متوفی به سال ۲۱۶ ه.ق. بدان‌جا منسوبند. اما سمعانی صورانی را با ضمّ اول، ضبط نموده است. منابع دیگر یادآور گردیده‌اند: صوران با فتحه اول و تشدید دوم، موضعی است در مدینه‌النبی و مجاور بقیع غرقد، یاقوت حموی صوران را به عنوان شهری در حُمص از توابع شام (سوریه کنونی) دانسته است اما بررسی‌های تاریخی، رجالی و جغرافیایی این نکته را تقویت می‌کنند که سید حسین فرزند اسحاق

موسی علیه السلام که فرماندهی لشکر مزبور را بر عهده گرفته بود، به همراه عده‌ای از مقربان، زندگی مخفیانه‌ای را برگزید اما دشمنان کینه‌توز از طریق جاسوسان خویش به محل اختفای او و یارانش پی بُردند و دستور هجوم به محل استقرار این افراد داده شد و در نهایت منجر به شهادت احمد بن موسی علیه السلام موسوم به شاهچراغ و حامیانش گردید. اگرچه قیام مزبور منجر به شکست گردید ولی از آن زمان شیراز و حتی دیگر دیارهای استان فارس محل زندگی و کانون فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی عده‌ای از امامزادگان و سادات موسوی گردید و این بزرگان زمینه‌هایی را فراهم کردند تا دیگر افراد خاندانشان بدین سوی کوچ کنند<sup>۲۸</sup>.

یکی از امامزادگانی که بعد از این فجر خونین و فضای ایجاد شده در افق منطقه فارس طلوعی تابناک داشت، حسین بن اسحاق بن موسی علیه السلام می‌باشد، تاریخ هجرت وی به این منطقه مشخص نمی‌باشد ولی قرائنی مؤید آن است که وی بعد از ارتحال

در صَوْران مدینه نشو و نما داشته است.<sup>۲۹</sup>

## بر کرانه کمالات و کرامات

حسین فرزند اسحاق صرفاً نسب را از پدر و جدّ خویش به ارث نبرده بود و والدش در تعلیم و تربیت وی و مهیا نمودن این فرزندش برای تلاش های ارشادی و تبلیغی و مقاومت در برابر جرثومه های فساد و ستم، نهایت اهتمام خود را به کار گرفته بود و عواملی را که زمینه ساز شکوفایی علمی و اخلاقی پسرش می گردید، برایش فراهم ساخت. به همین دلیل او جوانی وارسته، سخی، خوش اخلاق، فاضل، شجاع و پرهیزکار بار آمد و در زندگی خانوادگی، روابط اجتماعی، معاشرت ها و موضع گیری های سیاسی آینه جمال و کمال پدران پاک خود بود، او کوشید به سیره سلف صالح خویش تأسی جوید. حسین صورانی در شیراز و حتی دیگر نواحی فارس و استخر، زندگی عادی، حیاتی خاموش و منفعلانه نداشت و نباید نقش او را

در گسترش معارف و مکارم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در این نقاط به بوته فراموشی سپرد، او بر اثر تزکیه درونی و جدّیت وافر در اقامه فرایض و نوافل و انس مستمر با ذکر، عبادت و دعا در حکمت و فضیلت به درجاتی والا نائل گردید و در ضمن این کوشش های معنوی و ملکوتی درباره هدایت اقشار گوناگون مردم، ترویج تعالیم آسمانی اسلام و بصیرت افزایی شیعیان کارنامه ای درخشان از خود به یادگار نهاد. قرائنی از کمالات و کرامات این امامزاده حکایت دارد، نخست آن که مردمان منطقه نسبت به تکریم شأن و منزلت وی، سعی فراوانی داشته اند و او از نفوذ معنوی در میان جوامع فارسی و توابع برخوردار بوده است. به علاوه ایشان با تلاش های فکری، سیاسی و فرهنگی موجبات هراس کارگزاران وقت را فراهم ساخت و به همین دلیل ایشان را دستگیر و به شهادت رسانیدند، دیگر آن که پیکر مطهر آن سید جلیل القدر بعد از سال ها، سالم باقی مانده بود. آن گونه که از روایات



شیخ محمد شریف رازی رحمته الله رجال نگار معاصر این روایت را در کتاب کرامات صالحین نقل نموده است که یکی از معصومین فرموده‌اند: جسد المؤمن لا یبلی فی قبره<sup>۳۳</sup>.

جمال‌الدین عبدالله گرگانی در حاشیه خود بر بحر‌الانساب المشجر می‌گوید: مرقد حسین فرزند اسحاق در شیراز است. سید جعفر بحر‌العلوم از کتاب زرکوش شیرازی موسوم به «شیرازنامه» نقل نموده است: مرقد حسین بن موسی به سال ۸۰۰ ه.ق در زمان قتلغ خان آشکار گردید و از روی قراین و شواهد مرقدش را شناختند و چون قبرش را نبش نمودند، پیکرش را سالم و تازه یافتند و برایش گنبد و رواقی ساختند و شاه اسماعیل صفوی به سال ۹۱۰ ه.ق به دست حاکم خود خلیل، بر عمران، وسعت و جلوه‌های معماری این بنا افزود<sup>۳۴</sup>.

در این نوشتار دو نکته قابل تأمل دیده می‌شود:

۱. در مطالب منقول از شیرازنامه، واسطه‌ای حذف گردیده است؛ زیرا

مستفاد می‌گردد نپوسیدن اجساد در مقابر از کرامت اولیای الهی و عنایت ویژه پروردگار به آن شخصیت‌ها به‌شمار می‌آید. قطب‌الدین راوندی متوفی در ۵۷۳ ه.ق که مرقدش در صحن جدید حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام زیارتگاه علاقه‌مندان است و پیکر خودش بعد از حدود هشت قرن تر و تازه مشاهده گردید<sup>۳۰</sup>، در کتاب لبّ اللباب حدیثی را از معصوم روایت می‌کند که بر اساس آن پیکر ده طایفه در قبر دچار فساد نمی‌گردد و از جمله آنان مجاهدان راه خدا، علمای متعهد، حاملان قرآن، شهیدان و افرادی که مظلومانه کشته می‌شوند، می‌باشند<sup>۳۱</sup>.

سید بحر‌العلوم از کتاب زهرالریاض ابن شدقم نقل کرده است: بعد از درج گزارش نبش قبر سید مرتضی علم‌الهدی به دست قضات روم و پدیدار گردیدن پیکر تازه‌اش بعد از پنج قرن به صورت سالم... وی افزوده است: زمین پیکر صالحان را دگرگون نمی‌سازد<sup>۳۲</sup>.

امامزاده مدفون در شیراز حسین فرزند اسحاق فرزند امام کاظم علیه السلام است و سید حسین براقی می گوید: حسین بن کاظم علیه السلام در کوفه رحلت نموده و در عباسیه دفن شد. و اسماعیل مروزی در انساب الطالبیه گفته است: اهالی طبرس تصور می کنند حسین بن کاظم علیه السلام در این دیار از دنیا رفته و قبرش در این شهر می باشد<sup>۳۵</sup>.

۲. منظور از قتلغ خان مزبور، اتابک مظفرالدین قتلغ خان ابوبکر فرزند اتابک سعد بن زنگی است که از سال ۶۲۳ تا ۶۵۹ هـ.ق، سمت امارت فارس را عهده دار بود و نباید او را با قتلغ خان که حاکم فارس از جانب مأمون است، یکی گرفت. بنابر این، ادعای کشف قبر حسین فرزند اسحاق توسط وی در ۸۰۰ هـ.ق درست نمی باشد و در این موقع سالها از رحلت او می گذشته است<sup>۳۶</sup>.

فرزندان حسین بن اسحاق در بصره، مدینه، اهواز و فارس پراکنده گردیده اند و اعقابش از نسل حسن فرزند حسین می باشند، از جمله آنان ابوجعفر محمد

صورانی است که قبرش در باب اصطخر شیراز، زیارتگاه است و احفادش به بنو وارث موسومند، جعفر وارث فرزند محمد صورانی می باشد که اولادش در شیراز و دیگر نواحی فارس از جمله فسا منتشر گردیده اند<sup>۳۷</sup>. ابوجعفر محمد صورانی به گفته مؤلف کتاب المجدی به این سبب مشهور است<sup>۳۸</sup>. اما در کتاب «درخت طوبی» این لقب ابن بسنه آمده است<sup>۳۹</sup>، هم چنین در کتاب «ستارگان درخشان» محمد صورانی با عنوان محمد رضوانی درج گردیده که قطعاً اشتباهی در این راستا صورت گرفته است<sup>۴۰</sup>.

سید اجل عالم نقیب نقبا ذوالمجدین ابوالقاسم علی بن موسی بن اسحاق بن الحسن بن حسین بن اسحاق که از فضل و فضیلت، دانش و مقامات معنوی و موقعیت اجتماعی سیاسی برخوردار بود، از اعقاب اسحاق بن موسی است، وی در قرن پنجم هجری می زیست و جلال الدین ملکشاه سلجوقی از بزرگ ترین پادشاهان سلجوقیان، به تکریم و تجلیل این

امامزاده می پرداخت<sup>۴۱</sup>.

## حکمت اقامت امامزاده ابوجعفر

### موسی در مرو

نسل حسین صورانی غیر از ابوجعفر محمد صورانی، از طریق دو فرزند دیگرش ادامه یافت؛ یکی حسین و دیگری اسحاق ثانی معروف به اسحاق عالم، سید اخیر که به ابواسحاق هم در برخی منابع معروف می باشد، در منطقه فارس زندگی می کرد و در همین منطقه به سرای باقی شتافت و پیکرش در شکافی از کوه سبز پوشان، در هیجده کیلومتری جنوب شرقی شیراز دفن گردید. برای این بزرگوار سه فرزند پسر ذکر کرده اند که از جمله آنان است ابوجعفر موسی که از خطه فارس به سوی خراسان بزرگ کوچ کرد و در شهر مرو اقامت گزید و در آن جا دارای اولاد و احفادی گردید<sup>۴۲</sup>.

این که امامزاده مذکور و برخی علویان و سادات به این ناحیه کوچیده اند، بی دلیل نمی باشد و بسترهایی در آن منطقه فراهم بوده

است که این کشش را در آنان به وجود آورده است. در این راستا باید یادآور گردید که:

۱. از وقتی این قلمرو توسط رزمندگان اسلام فتح گردید، گرایش به خاندان طهارت در مرو مسیری شکوفا و باشکوه را پیموده است، چرا که هم زمان با ورود اسلام به این ناحیه، حاکمش ماهویه مرزبان بود، وی در سال ۳۶ هجری به محضر حضرت علی علیه السلام آمد و از دست مبارک آن امام همام مکتوبی دریافت کرد که در آن خطاب به اهالی مرو، آمده بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان، درود بر کسی که راه هدایت را ببیماید، ماهویه نزد من آمد و همواره از او رضایت دارم<sup>۴۳</sup>.

این نکته، زمینه های تشیع در مرو را به اثبات می رساند، ویژگی مزبور از آن زمان رو به رشد و ترقی بود و در عصر سیاه و تاریک اموی هیچ گاه خاموش نگردید.

۲. با حماسه عاشورا و قیام زید بن علی و فرزندش یحیی، این روند



گسترش و تعمیق یافت، به ویژه با شهادت یحیی بن زید در جوزجان و قتل عام یاران ایشان توسط جفاگستران اموی، عواطف و احساسات اهالی مرو که با معرفت و بصیرت توأم بود درباره خاندان رسول اکرم (ص) به اوج رسید.

۳. پیوند اهالی مرو و توابع با علویان و طالبیان باعث گردید مأمون، مرو را مرکز حکومت خود قرار دهد اما با وجود آن که قدرت ظاهری و تشکیلات سیاسی عباسیان در این دیار استقرار یافت، شیعیان و دیگر اقشار مسلمان این ناحیه در اثر جاذبه معنوی و شخصیت والا و ملکوتی حضرت امام رضا (ع) و نقش علمی، فرهنگی و هدایتی آن حضرت در جامعه اسلامی، متوجه مدینه، مرکز اقامت آن فروغ امامت گردیده بودند، که این وضع برای دستگاه خلافت مخاطراتی در بر داشت.

۴. مأمون تصمیم گرفت محبوب ترین و برترین شخصیت آن عصر یعنی امام هشتم را به اجبار به مرو فرا بخواند و امام را وادار کند ولایت عهدی او

را بپذیرد که حضرت با شرایطی این سمت را پذیرفت اما پرتوافشانی امام آن چنان برای وی غیر قابل تحمل و هراس آفرین گردید که توطئه ای شوم را به اجرا گذاشت و امام را در آخر صفر سال ۲۰۳ هـ.ق به شهادت رسانید. هجرت حضرت رضا (ع) به مرو و نیز بارقه معنوی بارگاه مقدس آن فروغ هشتم امامت، فرهنگ تشیع را در مرو تقویت کرد و بر پیروان این مذهب افزود<sup>۴۴</sup>.

۵. دولت طاهریان که در منطقه خراسان بزرگ شکل گرفت، با وسعت نظر و برخی موضع گیری های مطلوبی که از خود بروز داد، شرایطی را فراهم نمود که نواحی گوناگون این قلمرو از جمله مرو، با تمایلات شیعی به حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود ادامه دهند، طاهریان که از ۲۰۵ تا ۲۵۵ هـ.ق در این منطقه به فرمانروایی رسیدند تظاهر به تشیع می کردند، وقتی حسن بن زید علوی رهسپار طبرستان گردید، سلیمان بن عبدالله طاهری از درگیر شدن با وی احساس گناه و شرم



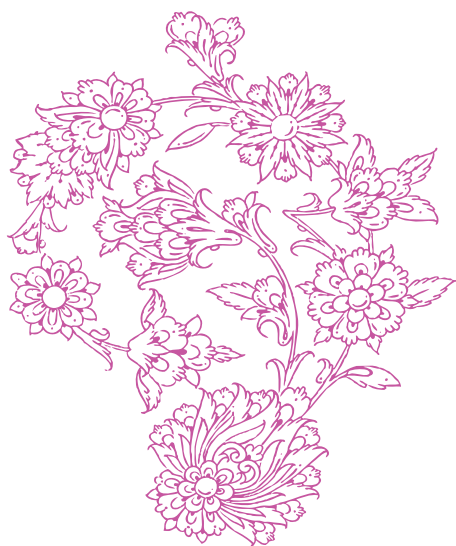


اعتقادی، فکری و مبارزاتی سادات در خراسان و از جمله مرو، شدت یابد<sup>۴۶</sup>. ۷. مرو تا ابتدای قرن سوم هجری مرکز حکومت و دارالاماره بوده است و در قرن پنجم هجری حکام سلجوقی به آن توجه کردند و چغری بیک، مرو را مرکز حکمرانی خود قرار داد و سلطان سنجر با تمام وسعت فرمانروایی اش، مرو را به عنوان دارالحکومه خویش تعیین کرد، سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ه.ق) اگر چه نسبت به تشیع خوش بین نبودند و حتی در تضعیف شیعیان می کوشیدند اما در حفظ حرمت سادات و علویان می کوشیدند، رفتار خردمندانه، صلاح اندیشی علویان و علمای شیعه در برخورد با حرکت های افراطی، غلوآمیز و برخی فرقه های منحط و منحرف باعث گردید عده ای از نامداران شیعی و بزرگان سادات در دستگاه این سلسله نفوذ پیدا کنند و در مقام صدارت، کارگزار برجسته و مسئولیت های دیگر، از سادات و شیعیان صیانت کنند<sup>۴۷</sup>.  
مرقد عده ای از امامزادگان در مرو

می نمود، او شدیداً به تشیع مایل بود. وقتی طاهر بن حسین حاکم خراسان بزرگ گردید، در اولین اقدام نام مأمون عباسی را از خطبه حذف کرد، این تصمیم وی را برخی مورخان این گونه تعبیر کرده اند که او قصد داشته است حکومت را به علویان منتقل کند. در این دوران، شیعیان اثنی عشری در خراسان نفوذی داشتند و عالمان بزرگی از میان آنان برخاستند<sup>۴۵</sup>.

۶. سامانیان که در سال ۲۷۹ ه.ق قدرت را به دست گرفتند و تا ۳۸۹ ه.ق حکومت کردند، در قبال دولت عباسی استقلال سیاسی و نظامی خود را حفظ کردند و اصولاً دامنه نفوذ بنی عباس به ولایات خراسان، در این عصر کاملاً محدود و گاه از دست رفته بود و همین ویژگی باعث گردید تا علویان و سادات در مرو به فعالیت های ترویجی و فرهنگی خود ادامه دهند. حتی از سال ۳۰۹ ه.ق مناسبات میان ساسانیان و بنی عباس به سردی گرایید و نیز روحیه تسامحی که دولت سامانی از خود بروز داد سبب گردید تکاپوهای

# مقابر موسی در مرو



وجود دارد، یکی از این مقابر، مزار موسی فرزند عبدالله بن امام کاظم می‌باشد، برخی هم می‌گویند پیکر زیدالنار فرزند امام هفتم در این شهر دفن گردیده است.<sup>۴۸</sup>

یادآور می‌گردد نام دیگر مرو، شاهجان بوده و شهر مشهورش در حوالی سرخس قرار داشته است. خراسانیان به آن مروزمی‌گویند و منسوب به آن مروزی نامیده می‌شود، این قلمرو در گذشته از آن چنان اهمیتی برخوردار بوده که آن را ام‌القرای خراسان گفته‌اند. مرو کنونی در نود کیلومتری شمال شرقی سرخس بین کپه داغ و البرز شرقی و رودخانه قرار گرفته و از رود مرغاب (مرو رود) مشروب می‌گردد، مرو با وسعتی بالغ بر ۸۷۱۵۰ کیلومتر مربع و حدود یک‌ونیم میلیون نفر سکنه یکی از پنج استان مهم ترکمنستان است، این جمهوری با ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرقی ایران واقع است و بیشترین تمرکز جمعیت آن در استان ماری یا مرو می‌باشد.<sup>۴۹</sup>

۲۲۴

بقاع متبرکه

فرزندان و نوادگان  
امامزاده سید اسحاق بن موسی الکاظم (ع)  
:



مرقد امامزاده سيد اسحاق بن موسى الكاظم عليه السلام



ضريح امامزاده سيد اسحاق بن موسى الكاظم عليه السلام



در ورودی حیاط امامزاده سید اسحاق بن موسی الکاظم علیه السلام



حیاط شرقی امامزاده سید اسحاق بن موسی الکاظم علیه السلام

## پی نوشت‌ها:

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛ الارشاد، صص ۲۱۶-۲۱۷.
۲. اعلام الوری، ص ۲۹۸؛ مقاتل الطالبیین، صص ۶۰۶-۶۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۳۳؛ نورالابصار، ص ۱۵۱.
۳. اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۳۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۸۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۴۹.
۴. حياة الامام موسى بن جعفر عليه السلام، ج ۲، ص ۳۷۷.
۵. سرالسلسلة العلوية، ص ۳۷.
۶. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.
۷. المنجدي في انساب الطالبیین، ص ۱۱۸؛ النفخة العنبرية، ص ۹۲.
۸. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۹.
۹. درخت طوبی، ص ۱۲۶؛ دیوان نقابت، ص ۱۴۵ و ۱۸۱.
۱۰. کافی، ج ۲، کتاب دوم باب ایمان و کفر، باب ۱۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۸۵.
۱۱. مروج الذهب، ج ۴، ص ۲۷؛ مسندالرضا، ص ۲۷۸؛ روایات امام رضا عليه السلام در مسند الرضا عليه السلام، ص ۸۵.
۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۶۹؛ رجال برقی، ص ۵۴؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۸۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۷۰؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۲۲.
۱۳. تحلیلی از زندگی امام موسی کاظم عليه السلام، ج ۲، ص ۴۵۷؛ چلچراغ شیراز، ص ۲۳۶.
۱۴. عمدة الطالب في انساب آل ابی طالب، ص ۲۱۱.
۱۵. منتهی المقال، ج ۲، ص ۴۲۹.
۱۶. مقاتل الطالبیین، ص ۹۰۳.
۱۷. النفخة العنبرية، ص ۹۳.
۱۸. الشجرة المباركة، ص ۱۰۷؛ الفخری فی انساب ابی طالب، صص ۱۸-۱۹؛ تهذیب الانساب، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۹. تحفة العالم في شرح خطبة المعالم، ج ۲، ص ۳۴.
۲۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، مقدمه ص ۳، و نیز ج ۴، ص ۵۳۹.
۲۱. التذكرة في انساب المطهرة، ص ۱۳۳.
۲۲. نزهة القلوب، ص ۶۳.
۲۳. زینت المجالس، ص ۷۷۰.
۲۴. سیاحتنامه شاردن، ج ۳، ص ۵۲.
۲۵. مروزی بر جغرافیای تاریخی ساوه، ص ۹۸.
۲۶. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۲۱۸.
۲۷. تاریخ قم، صص ۲۴۳-۲۴۴، و نیز ص ۲۸۸؛ مروزی بر جغرافیای تاریخی ساوه، ص ۹۸؛ به نقل از گنجینه آثار قم.
۲۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، صص ۲۲۸-۲۳۰؛ دائرة المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی)، ص ۹۹؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۱۲.
۲۹. حياة الامام موسى بن جعفر عليه السلام، ج ۲، ص ۱۲۶؛ آثار العجم، ص ۲۴۵؛ هدیة احمدیه، صص ۴۱-۴۲.
۳۰. معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۳۲؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۰۷؛ راهنمای دانشوران، ج ۱، ص ۴۹۴.
۳۱. اجساد جاویدان، صص ۱۵۲-۱۵۳.
۳۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰.
۳۳. رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۱۱۱.



۳۳. کرامات صالحین، ص ۳۱۳ و ۳۲۶.
۳۴. تحفة العالم، ج ۲، ص ۲۸.
۳۵. تاریخ الکوفه، ص ۶۱: آرامگاه‌های خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.
۳۶. شیرازنامه، ص ۷۱۵: روضه الصفا، ج ۴، ص ۶۱۳؛ فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۲۹۳.
۳۷. عمدة الطالب، ص ۲۱۲؛ الفخری، ص ۱۹؛ مهاجران آل ابی طالب، ص ۲۶۸.
۳۸. الفصول الفخریه، ابن عنبه، ص ۱۴۲.
۳۹. شاخه طوبی، ص ۱۱۱ و ۱۷۶.
۴۰. ستارگان درخشان، ج ۹، ص ۹۱.
۴۱. الدرجات الرفیعه، ص ۴۸۸؛ اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۸۵.
۴۲. عمدة الطالب، ص ۲۸۵؛ المعقبون من آل ابی طالب، ج ۲، صص ۳۸۱-۳۸۲؛ الشجرة المبارکة، ص ۱۰۸؛ نزهة العیون فی نهاية الفنون، ص ۴۶؛ آثار العجم، ص ۴۷۴؛ فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۲۰۴.
۴۳. تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۵۵۷.
۴۴. مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان، ص ۳۷۳ و ۳۸۸. حیاة الامام الرضا علیه السلام، ص ۱۷۰، تشیع در خراسان عهد تیموریان، صص ۶۲-۶۳.
۴۵. تاریخ ایران اسلامی، دفتر دوم (از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان)، صص ۳۰-۳۱، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، صص ۱۶۶-۱۶۸.
۴۶. تاریخ ایران اسلامی، دفتر دوم، صص ۸۸-۸۷، تاریخ سامانیان، صص ۹۴-۹۷، ۱۰۱، ۱۱۰ و ۱۱۲.
۴۷. تاریخ ایران زمین، صص ۱۸۷-۱۸۸؛ النقص، ص ۴۱۴ و ۶۳۸، دائرة المعارف تشیع، ج ۱۵، ص ۳۰-۳۱ و ۱۰۴-۱۰۵.
۴۸. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله، صص ۳۰۰-۳۰۱.
۴۹. جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۵۱ و ۶۱؛ خراسان بزرگ، ص ۲۲۷، ۲۳۱ و ۲۳۳.

### منابع:

۱. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲. اعلام الوری، طبرسی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۳. اعلام الهدایه (ج ۹: الامام موسی بن جعفر کاظم علیه السلام)، لجنة التألیف، تهران، المجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۴. آثار العجم، فرصت الدوله شیرازی، به کوشش: علی دهباشی، تهران، فرهنگ سرا، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۵. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه و تابعین، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، ترجمه: عبدالعلی صاحبی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۶. اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی پور، قم، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۷. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی،



۱۵. تاریخ سامانیان، جواد هروی، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۶. تاریخ ایران اسلامی (دفتر دوم: از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان)، رسول جعفریان، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۷. تشیع در خراسان، عبدالمجید ناصری داودی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۳۸.
۱۸. تاریخ الکوفه، سید حسین بن سید احمد البراقی النجفی، با اضافات و توضیحات: سید محمد صادق بحرالعلوم، بیروت، دارالاضواء لطباعة والنشر، طبع چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۹. تنقیح‌المقال فی علم الرجال، علامه عبدالله مامقانی، تهران، جهان، بی تا.
۲۰. جامع‌الرواة و ازاحة‌الاشتباهات عن الطرق والاسناد، محمد بن علی اردبیلی غروی حائری، تهران، انتشارات جهان، بی تا.
۲۱. جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، غلامرضا گلی‌زواره، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۳.
۲۲. چلچراغ شیراز، جلیل عرفان‌منش، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۳. حیاة‌الامام موسی بن جعفر علیه‌السلام، باقر شریف قرشی، نجف اشرف، مطبعة بیروت (لبنان)، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة المصححة، ۱۴۰۳ ه.ق.
۸. بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، حوزه هنری، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۹. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه: تاج‌الدین حسن قمی، به کوشش: محمد رضا انصاری قمی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۰. تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، حسین مفتخری و حسین زمانی، تهران سمت، چاپ اول ۱۳۸۱.
۱۱. تاریخ ایران زمین، محمد جواد مشکور، تهران، اشراقی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۲. تهذیب‌الانساب و نهیة‌الاعقاب، ابوالحسن محمد عبیدلی نسابه، استدراکات و تعلیقات: ابن طباطبا، تحقیق: سید محمد کاظم محمودی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۳. تحفة‌العالم فی شرح خطبة‌المعالم، سید جعفر بحرالعلوم، تهران، مکتبة‌الصادق، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ه.ق.
۱۴. تاریخ‌الامم والملوک، محمد بن جعفر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.



۳۳. راهنمای دانشوران (در ضبط نام‌ها، نسب‌ها و نسبت‌ها)، سید علی اکبر برقی قمی، پاورقی از: سید محمد باقر برقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳۴. درخت طویی، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۳۵. روضة الصفا فی سیرة الانبیاء والملوک والخلفاء، میر محمد بن خواند شاه (میر خواند)، تهران، خیام، چاپ اول، ۱۳۳۸.
۳۶. زینة المجالس، محمد الحسینی متخلص به مجدی، تهران، سنایی، ۱۳۶۲.
۳۷. سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه: محمد عباسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۰.
۳۸. سرالسلسله العلویة، ابی نصر بخاری، قدّم له و علّق علیه: سید محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱.
۳۹. ستارگان درخشان، محمد جواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴.
۴۰. سخنرانی استاد محیط طباطبایی در برنامه مرزهای دانش رادیو، ۲۶ شهریور ۱۳۴۹ هـ.ش، پیاده شده از نوار توسط مرحوم سید عبدالعلی فناء توحیدی.
۴۱. الشجرة المباركة فی انساب الطالبین، امام فخر رازی، تحقیق: سید مهدی النجف، الطبعة الاولى، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۲۴. خراسان بزرگ، احمد رنجبر، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۲۵. دیوان نقابت، محمد هادی خالقی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسرامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲۷. دائرة المعارف تشیع، ج ۱۵، زیر نظر: بهاء‌الدین خرمشاهی و دیگران، تهران، مؤسسه انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۸. الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، بیروت، موسسه الوفا، بی تا.
۲۹. روایان امام رضا (ع) در مسند الرضا (ع)، عزیزالله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۳۰. رجال طوسی، محمد بن حسن طوسی، نجف، مکتبه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۱. رجال برقی، احمد بن عبدالله برقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۳۲. رجال سید بحر العلوم، علامه سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبایی، بیروت (لبنان)، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۲۰ هـ.ق.





۴۹. فارسنامه ناصری، حاج میرزا حسن حسینی فسایی، تصحیح و تحشیه از: منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۵۰. الکافی، ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، صححه و علق علیه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸.
۵۱. کشف الاسرار (پژوهشی در بقاع متبرکه و امامزاده های چهارمحال و بختیاری)، حیدر خسروی فارسانی، شهر کرد، آصف، ۱۳۸۰.
۵۲. کرامات صالحین، محمد شریف رازی، قم، نشر حاذق، ۱۳۷۴.
۵۳. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
۵۴. لباب الانساب واللقاب والاعقاب، ابوالحسن علی بن ابی القاسم بیهقی (ابن فندق)، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ه.ق.
۵۵. مهاجران آل ابی طالب، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبا، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۵۶. مروج الذهب و معادن الجواهر،

- رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴۲. شجره طوبی، شیخ محمد مهدی حائری مازندرانی، نجف اشرف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.
۴۳. شیرازنامه، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر زکوب شیرازی، به کوشش: اسماعیل واعظ جوادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۴۴. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر میثمی، تصحیح: عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره، مکتبه القاهره، بی تا.
۴۵. عمدة الطالب فی انساب ابی طالب، ابن عنبه، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴۶. الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیه، محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی، قاهره، بی نا، ۱۳۸۱ ه.ق.
۴۷. الفصول الفخریة، جمال الدین احمد بن عنبه، به اهتمام: سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۴۸. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، نصرت الله مشکوتی، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران (وزارت فرهنگ و هنر)، چاپ اول، ۱۳۴۹.

- ۱۳۹۳ هـ.ق.
۶۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، قم، آل البيت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۶۶. معجم البلدان، یاقوب حموی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۶۷. مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان، سمیره مختار اللیثی، ترجمه: سید کاظم طباطبایی، مشهد، شرکت به نشر، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶۸. روض الراحین فی حکایات الصالحین ملقب به نزهة العیون النواظر و تحفة الخواطر فی حکایات الصالحین والاولیاء والاكابر، عبدالله یافعی، قاهره، ناشر: مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۷۴ هـ.ق.
۶۹. النفخة العنبریه فی انساب خیر البریه، سید محمد کاظم یمان موسوی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۷۰. نزهة القلوب، حمد الله مستوفی، به اهتمام: گای لُسترنج، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۷۱. النقص، عبدالجلیل رازی قزوینی، تصحیح: میر جلال الدین محدث ارموی، با ویرایش جدید، به کوشش: محمد حسین درایتی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ابوالحسن علی مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
۵۷. منتهی الآمال، جاح شیخ عباس قمی، قم، هجرت، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.
۵۸. مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه، مرتضی سیفی قمی تفرشی، تهران، مجید، ۱۳۷۰.
۵۹. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، به کوشش: بهزاد جعفری، تهران، انتشارات جعفری راد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۶۰. موارد الاتحاف فی نباء الاشراف، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۸ هـ.ق.
۶۱. المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن ابی الغنائم العمری، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۶۲. المعقبون من آل ابی طالب، سید مهدی رجایی موسوی، قم، مؤسسه عاشورا، چاپ اول، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۶۳. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، بیروت، بی نا، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۶۴. من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد صدوق، صححه و علقه علیه: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق،